



### مر این نامه را «خاوران نامه» نام...

پدیدآورده (ها) : آیدنلو، سجاد  
ادبیات و زبانها :: نامه پارسی :: سال نهم، پاییز 1383 - شماره 3  
از 189 تا 203  
آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/275241>

دانلود شده توسط : مهدی ابراهیمی  
تاریخ دانلود : 12/11/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

## مر این نامه را «خاوران نامه» نام...

### سجاد آیدنلو

تازیان نامه پارسی (خلاصه خاوران نامه ابن حسام خوسفی)، تصحیح حمیدالله مرادی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۲ ش.

تا پیش از سال ۱۳۷۹ ش تقریباً در همه پژوهش‌های حماسه‌شناختی، چنین تصور می‌شد که سرایش منظومه‌های به اصطلاح حماسی دینی در تاریخ ادبیات ایران با خاوران نامه ابن حسام خوسفی در قرن نهم هجری آغاز شده است و این نوع از انواع آثار ادب حماسی<sup>۱</sup> در قیاس با داستان‌های پهلوانی و حتی مجموعه‌های منظوم تاریخی سابقه کمتری دارد؛ تا این که مقاله درخشان و تحول آفرین دکتر شفیع کدکنی، با معرفی و بررسی دست‌نویسی از یک منظومه

۱. در یک تقسیم‌بندی کلی، آثار ادب حماسی ایران به سه دسته منظومه‌های پهلوانی، منظومه‌های تاریخی، و منظومه‌های دینی، تقسیم می‌شوند. برای نمونه ← حماسه‌سرایی در ایران اثر ذبیح‌الله صفا. البته پس از شادروان دکتر صفا، سایر محققان، انواع دیگری نیز بر این تقسیم‌بندی افزوده‌اند که عبارت‌اند از: حماسه عرفانی، حماسه طنز و مسخره، و حماسه دروغ. در این باره ← شمیسا، سیروس، انواع ادبی، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۵، صص ۵۳ و ۵۴؛ ربیعان، محمدرضا «حماسه»، فرهنگنامه ادبی فارسی (دانشنامه ادب فارسی)، به سرپرستی حسن انوشه، تهران، ۱۳۷۶، صص ۵۳۷ - ۵۳۸؛ قاسم‌نژاد، علی، «حماسه مضحک»، همانجا، صص ۵۳۸ - ۵۴۰.

دینی به نام علی‌نامه، برای نخستین بار نشان داد که نظام پهلوان‌نامه‌های<sup>۱</sup> دینی، پیشینه‌ای حدوداً همسال شاهنامه فردوسی دارد.<sup>۲</sup>

علی‌نامه منظومه‌ای است تقریباً دوازده‌هزار بیتی، که داستان‌های نبرد جمل و صفین را در دوازده مجلس آورده است. این اثر را شاعری با نام یا تخلص ربیع، و احتمالاً اهل خراسان، در سال ۴۸۲ ق سروده است.<sup>۳</sup> علاوه بر این مجموعه، شبلی نعمانی نیز در شعرالعجم اشاره بسیار مهمی دارد که در سابقه ادب دینی پارسی سخت قابل توجه است. وی می‌نویسد: «همان وقت (یعنی عصر فردوسی) کتابی در جواب شاهنامه به اسم عمرنامه تألیف گردید که مؤلف آن در دیباجه، در بیان سبب تألیف کتاب می‌نویسد که «چون فردوسی یک سلسله افسانه‌های عجم را جمع کرده و کتابی به اسم شاهنامه انتشار داده است، لذا من این کتاب را در حالات خلیفه دوم می‌نویسم تا توجه مردم را از خواندن شاهنامه منصرف ساخته و به مطالعه این کتاب مشغول سازم».<sup>۴</sup> نعمانی در حاشیه همان صفحه افزوده است: «این کتاب از نظر من گذشته است.» ولی متأسفانه مشخص نکرده است که عمرنامه به نظم بوده است یا نثر. در هر حال، این دو اثر، هم تاریخ تدوین مجموعه‌های دینی در ادبیات ایران را به دوران فردوسی می‌رسانند و هم سندهای قابل اعتمادی هستند برای این که، با احتمال، نتیجه بگیریم شاید اختلاف و بحث عقیدتی میان دو گروه شیعه و سنی، حتی از همان آغاز نظم و تدوین آثار ادبی دینی وجود داشته است که یکی دو سده بعد، به صورتی دیگر، در قالب دو دسته مناقب‌خوانان و فضایل‌خوانان در تاریخ اندیشه و فرهنگ ایرانی ظاهر می‌شود.

با یافت شدن نسخه‌ای از علی‌نامه و اشاره شبلی نعمانی به عمرنامه، درباره چهار قرن سکوت میان این دو اثر و نظم خاوران‌نامه، هرگز نمی‌توان این گمان را با قطعیت مردود دانست که چه بسا در این ادوار نیز منظومه‌های مذهبی در هر دو حوزه عقیدتی - فکری شیعی و سنی سروده شده که یا در گذر زمان از بین رفته یا تا

۱. کاربرد تعبیر «پهلوان‌نامه» برای این منظومه‌ها بدین دلیل است که این آثار در بستر موضوعی «ادب حماسی» سروده شده‌اند و خواه‌ناخواه زیر تأثیر فضا و درونمایه این نوع ادبی، به‌ویژه عالی‌ترین نمونه آن، شاهنامه، بیشتر به جنبه پهلوانی و جنگاوری شخصیت‌های محوری منظومه‌ها پرداخته‌اند.

۲. شیفی کدکنی، محمدرضا، «حماسه‌ای شیعی از قرن پنجم»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، ش ۱۳۰ و ۱۳۱، پاییز و زمستان ۱۳۷۹، صص ۲۲۵-۴۹۴.

۳. شیفی کدکنی، همان، صص ۴۲۵، ۲۲۶ و ۴۳۰.

۴. نعمانی، شبلی، شعرالعجم، ترجمه سیدمحمدتقی فخرداعی گیلانی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۳۳.

امروز دست‌نویسی از آنها شناخته نشده است.

پس از حمله مغول، فضای مذهبی و فکری ایران اندک‌اندک به سوی تشیع گرایش می‌یابد و در دوره تیموریان این توجه افزون‌تر می‌شود، تا این که در عصر صفویان به اوج می‌رسد. بی‌گمان یکی از نتایج تأثیر این تمایل مذهبی، در ادب فارسی، به صورت سرایش منظومه‌های دینی خصوصاً درباره حضرت علی (ع) به ظهور درآمده است<sup>۱</sup> و خاوران‌نامه را هم باید از آثار شیعه‌گرایی نسبتاً محسوس روزگار تیموریان دانست.

ابن حسام خسفی (۷۸۳ - ۸۷۵ ق) که ایام زندگانی او تقریباً از زمان آغاز حملات تیمور تا مرگ پسرش، شاهرخ، بوده و خود نیز علایق شدید شیعی داشته است،<sup>۲</sup> خاوران‌نامه را در همین اوان سروده و در سال ۸۳۰ ق به پایان رسانده است. این منظومه در ۲۲۵۰۰ بیت، به گزارش رفتن حضرت علی (ع) و یاران ایشان به سرزمین‌های خاوران، قهرمان، ساحل زمین، و سرزمین قام، و نبرد با شهریاران و پهلوانان آن نواحی می‌پردازد و در کل، غیر از شخصیت تاریخی خود امام علی (ع) و چند تن از همراهانشان، درونمایه، عناصر، و اشخاص منظومه غالباً جنبه داستانی و اساطیری دارند. البته در آمیختگی داستان‌های افسانه‌ای و اساطیری با واقعیات سرگذشت بعضی از بزرگان دینی و تاریخی مانند حضرت علی (ع)، حمزه، ابومسلم، و... در ادبیات رسمی و عامیانه ایران، سستی است که در بیشتر مجموعه‌های مربوط بدانها دیده می‌شود و تفاوت‌ها تنها در شدت و ضعف این اختلاط و افسانگی است، به طوری که این آثار را با تسامح در کاربرد اصطلاح «حماسه»، به تعبیر مرحوم دکتر محبوب، می‌توان «حماسه عامیانه دینی» نامید.<sup>۳</sup>

در ساخت و پرداخت داستانی این نوع مجموعه‌ها - و در اینجا خاوران‌نامه - الگوی اساسی، شاهنامه و محتوای روایات پهلوانی ایرانی است، چنان‌که اگر نام شخصیت‌ها و

۱. این تأثیر و توجه به حدی بوده است که در کنار حیدرنامه‌های منظوم متعدد، میرزا حسن آتشی در نیمه دوم قرن دوازدهم، قصیده‌ای ۱۸۹ بیتی درباره جنگ ذات‌السلاسل، از نبردهای داستانی حضرت علی (ع)، سروده و به این ترتیب قالب قصیده را نیز در شرح به اصطلاح حماسه‌های دینی به کار گرفته است. برای این قصیده - کاشفی خوانساری، سیدعلی، حیدرنامه (گزیده حماسه‌های علوی از عهد صفویه تا عصر حاضر)، تهران، ۱۳۸۱، صص ۱۴۹ - ۱۵۷.

۲. برای احوال و آثار ابن حسام - صفاء، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۶، ج ۴، صص ۳۱۵ - ۳۱۸؛ احمدی بیرجندی، احمد «جلوه‌هایی از زندگی و هنر شاعری محمدبن حسام خسفی»، فرخنده‌پیام، مشهد، ۱۳۵۹، صص ۵۰۴ - ۵۲۰؛ رزم‌آرای رودی، خیرالله، «نگاهی به زندگانی ابن حسام خسفی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی بیرجند، ش ۱، بهار ۱۳۸۰، صص ۸۷ - ۹۸.

۳. - محبوب، محمدجعفر، «افتخارنامه حیدری»، ادبیات عامیانه ایران، به کوشش حسن ذوالفقاری، تهران ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۴۱.

مکان‌های جغرافیایی را حذف کنیم، ساختار و روند داستانی متن، اختلاف عمده و توجه بر انگیزی با منظومه‌هایی به سان گرشاسب‌نامه و فرامرزنامه نخواهد داشت. همین موضوع باعث شده است که سیمای اشخاص دینی و مذهبی این آثار در هاله‌ای از ویژگی‌ها و عناصر اساطیری و مسائل مربوط به روایات پهلوانی پوشیده شود و برای نمونه در خاوران‌نامه، حضرت علی (ع) به نبرد اژدها و دیوان برود و به هیئت بازرگانان وارد دژ دشمن شود<sup>۱</sup> (مانند اسفندیار در گشودن روین دژ)، یا مالک اشتر، سردار نامدار ایشان، در ماجرای عشقی حضور یابد و از دشواری‌هایی مشابه هفت‌خان رستم عبور کند و... این نکته - که خود تأثیر شاهنامه و ادب حماسی و داستان‌هایی از این‌گونه را در میان مردم و فرهنگ ایران نشان می‌دهد - درباره شخصیت‌های تاریخی غیردینی هم مصداق دارد و مجموعه‌های اسکندرنامه و داراب‌نامه بهترین گواه آن است. اما همان‌گونه که اشاره شد، درجه داستانوارگی و تخیلی بودن فضای همه آثار این چنینی یکسان نیست و نگارنده، برای نمونه، منظومه حمله حیدری میرزا محمد رفیع (باذل) مشهدی<sup>۲</sup> را با خاوران‌نامه ابن حسام مقایسه کرد و به این نتیجه رسید که در حمله حیدری، ترتیب و واقعیت تاریخی حوادث سرگذشت علی (ع) و تاریخ صدر اسلام بسیار بهتر و بیشتر از منظومه ابن حسام رعایت شده و خاوران‌نامه - همچنان که از نام اثر نیز پیداست - عموماً در محیط اساطیری و افسانه‌آمیز آثاری مانند گرشاسب‌نامه و داراب‌نامه و اسکندرنامه‌ها پرداخته شده است.

مؤلف بعض فضایح الروافض - که کتابی است در نقد و رد باورهای شیعیان - درباره مناقب خوانان - که در کوی و بازار اشعاری در ستایش حضرت علی (ع) و امامان شیعه می‌خواندند - آورده است: «در بازارها و مغازی‌ها می‌خوانند که علی را به فرمان خدای تعالی در منجیق نهاده و به ذات السلاسل انداختند تا به تنهایی آن قلعه را، که پنج هزار مرد در او بود تیغ‌زن، بستد و علی در خیبی به یک دست برکند، دری که به صد مرد از جای خود بجنبانیدندی، به دستی می‌داشت تالشکر بدان گذر می‌کرد.»<sup>۳</sup> به اعتبار این سند از قرن ششم، شاید ریشه داستانی بخشی از روایات افسانه‌ای درباره زندگی امام علی (ع) و نبردهای ایشان

۱. جالب این که یکی از منظومه‌های مربوط به حضرت علی (ع) در قرن‌های سیزدهم و چهاردهم هجری، هفت‌خان حیدری، از سراینده‌ای به نام عیانی است که به استناد نام منظومه، احتمالاً هفت‌خانی را به امام نسبت داده است.

۲. حمله حیدری، سروده میرزا محمد رفیع بن محمد مشهدی (باذل، تهران، [بی‌تا]).

۳. - قزوینی رازی، عبدالجلیل، بعض مطالب النواصب فی نقض بعض فضایح الروافض، تصحیح سیدجلال‌الدین محدث ارموی، تهران، ۱۳۳۱، ص ۶۵.

در همین داستانپردازی‌های مبالغه‌آمیز و خیالی مناقیبان بوده که در همان زمان یا بعدها به صورت مکتوب درآمده است. دکتر شفیعی کدکنی دربارهٔ این‌گونه داستان‌ها چنین حدس می‌زند: «این مغازی‌ها ظاهراً منظوم بوده... و شاید هم هستهٔ نخستین حماسه‌های مذهبی شیعی است.»<sup>۱</sup>

از منظری دیگر، شخصیت و سیمای علی (ع) در خاوران‌نامه - و برخی آثار همانند - از مصادیق بحث «اسطوره‌ای شدن شخصیت تاریخی» است که میرچا الیاده با ذکر نمونه‌هایی بدان پرداخته است.<sup>۲</sup> در این سنت حماسی، اشخاص تاریخی مطابق با الگوهای پهلوانان باستانی به افرادی اساطیری تبدیل می‌شوند و به دنبال آن، رویدادهای واقعی سرگذشت آنها نیز رنگ اسطوره‌ای می‌گیرد. حافظهٔ جمعی، به اعتقاد الیاده،<sup>۳</sup> «نهادی ناتاریخی دارد» و تنها قادر به حفظ نمونه‌های مثالی است. از این رو ناخودآگاه همگانی مردم ایران در عین اعتقاد کامل به جنبه‌های تاریخی احوال امام علی (ع)، بر مبنای همان گرایش ناخودآگاه به‌ویژه در قالب داستان که خیالپردازی و توجه به نمونه‌های مثالی و اساطیری از خصوصیات آن است، حضرت علی (ع) را بر الگوی رستم و گرشاسپ ساخته و ظاهر کرده است «یعنی فرد تاریخی را به صورت پهلوانی در می‌آورد که نمونه‌های ازلی را تقلید و افعال مثالی را تکرار می‌کند».<sup>۴</sup> گویا در فرهنگ ترسایی و غربی، بهترین نمونهٔ تبدیل شخصیت تاریخی به یک بوده و نمونهٔ اساطیری حضرت عیسی (ع) است،<sup>۵</sup> به همان سان که در فرهنگ ایران، حضرت علی (ع) در حیدرنامه‌های منظوم و مثنوی تقریباً چنین حالتی دارد. در این میان، نکتهٔ مشترک قابل توجه این است که هر دو شخصیت تاریخی، وجهه‌ای دینی دارند.

نکتهٔ بسیار مهم و درخور تحقیقی که در بررسی درونمایهٔ داستانی خاوران‌نامه به نظر نگارنده رسیده، این است که در این منظومه، با این که جغرافیای داستان بیرون از ایران زمین است و سرزمین‌هایی که علی (ع) بد آنها حمله می‌کند هیچ ارتباطی با ایران ندارند و حتی در گزیدهٔ پنج‌هزار بیتی از منظومه یک بار نیز نام ایران در روند داستان‌ها مطرح نمی‌شود، بیشتر اسامی بزرگان و پهلوانان آن مناطق که در برابر امام می‌ایستند، ایرانی، و جالب‌تر این

۱. «راه‌های انتشار یک شعر در قدیم»، اشراقی‌نامه (بزرگداشت نامهٔ دکتر احسان اشراقی)، زیر نظر سیدمحمد دبیرسیاقی، قزوین، ۱۳۸۱، صص ۱۷۹ - ۱۸۰؛ و «رزمجو، حسین، قلمرو ادبیات حماسی ایران، تهران، ج ۱، صص ۲۲۵ - ۲۲۶».

۲. الیاده، میرچا، اسطورهٔ بازگشت جاودانه، ترجمهٔ بهمن سرکاراتی، تهران، ۱۳۷۸، صص ۵۱ - ۶۲.

۳. همان، ص ۵۸

۴. همان، ص ۵۹

۵. سرکاراتی، بهمن «بنیان اساطیری حماسهٔ ملی ایران»، شاهنامه‌شناسی، تهران، ۱۳۵۷، ص ۱۰۰.

که از نام‌های شخصیت‌های حماسی - اساطیری ایران است، مثلاً جمشید، گیو، گودرز، سام، تهمتن، فریبرز، شهریار، پیروز و... و شگفت این که بهمن - که در شاهنامه و روایات حماسی ایران پسر اسفندیار است و پس از گشتاسپ، شاه ایران می‌شود - در این داستان طلایه‌دار سپاه خاوران است

همان بهمن گرد اسپندیار      طلایه همی گشت با چل هزار

۱۵۶۳ / ۱۳۶

و در نبردی به دست مالک اشتر کشته می‌شود (صص ۱۴۳ - ۱۴۵). درفش کاویانی - که در شاهنامه نشان ملی لشکر ایران است - در خاوران‌نامه بالای سر جمشیدشاه خاوری برافراشته شده است:

فراز سرش کاویانی درفش      به پیش اندرون تیغ‌های بنفش

۱۶۱۶ / ۱۴۰

و در سرزمین قام، حضرت علی (ع) را به کیش زردشت را می‌خوانند:

بسیا و به آتش پرستی درآی      از این دین که داری عنان برگرای  
به آتش پرستی دل آباد کن      ز آیین و راه کیان یاد کن

۴۴۰۵ و ۴۴۰۴ / ۲۸۹

و ایشان را برهم‌زننده آیین زردشت معرفی می‌کنند (۲۸۱ / ۴۲۳۶ و ۴۲۳۷). با ملاحظه چنین قراین و اشاراتی، این حدیس کاملاً احتیاط‌آمیز و احتمالی به ذهن می‌رسد که شاید در خاوران‌نامه نوعی تقابل میان عناصر و اشخاص ملی ایرانی (با نماد مردمان خاور و آن سه سرزمین دیگر) با مبانی و شخصیت‌های دینی در قالب امام علی (ع) و یاران ایشان مطرح شده که سرانجام با برتری اسلام به پایان می‌رسد. برای این موضوع احتمالی، حداقل دو دلیل یا تحلیل می‌توان ارائه کرد: نخست این که ممکن است پیروزی حضرت علی (ع) و سپاه ایشان بر سرزمین‌هایی که مهتران و یلان آنها نام‌های ایرانی دارند، بازتاب نمادین و تداعیگر داستانی فتح ایران از سوی اعراب و فروپاشی ساسانیان باشد،<sup>۲</sup> و

۱۹۴ / نامه پارسی، س ۹، ش ۳، پاییز ۱۳۸۳

۱. شماره صفحه و بیت، مربوط به برگزیده خاوران‌نامه است که در این مقاله معرفی و بررسی می‌شود.  
۲. پژوهشگر دیگری، دشمنان خاوری علی (ع) را در این منظومه، نماد مهاجمان تیموری دانسته است. - خوشحال

دیگر این که سابقهٔ تقابل - یا به تعبیری دقیق‌تر، استفادهٔ نادرست این چنین از - شاهنامه و شخصیت‌های شاهنامه‌ای در برابر روایات دلاوری‌های حضرت علی (ع)، در فرهنگ ایران طولانی است و به چند دهه پس از پایان نظام حماسهٔ ملی ایران و نیز اقدامات دشمنان حضرت علی (ع) و سپس ادامه‌دهندگان شیوهٔ آنها در قرن ششم و دوران رقابت فضاییان و مناقیبان می‌رسد. ربیع، سرایندهٔ علی‌نامه، هشتاد سال بعد از تدوین دوم شاهنامه، از شاهنامه‌خوانی گروهی غرض‌ورز به منظور فراموشی گفتارها و داستان‌های اهل دین سخن گفته است:<sup>۱</sup>

به شهنامه خواندن بپرداختند      کسانی که این مکر بر ساختند  
بکردند این حیله اصحاب کین      که ضایع شود گفت مردان دین<sup>۲</sup>

و به استناد نوشتهٔ شبلی نعمانی، هدف مؤلف یا ناظم عمرنامه از تنظیم این کتاب، برگرداندن توجه مردم از شاهنامه‌خوانی بوده است. اما شاید روشن‌ترین و مهم‌ترین شاهد این موضوع انتقاد صاحب‌النقض از مخالفان علی (ع) و دنباله‌روان آنها باشد که نوشته است: «متعصبان بنی‌امیه و مروانیان... جماعتی خارجیان از بقیهٔ سیف علی و گروهی بددینان را به هم جمع کردند تا مغازی‌ها به دروغ و حکایات بی‌اصل وضع کردند در حق رستم و سرخاب و اسفندیار و کاووس و زال و غیر ایشان، خوانندگان را بر مربعات اسواق بلاد متمکن کردند تا می‌خوانند تا رد باشد بر شجاعت و فضل امیرالمؤمنین و هنوز این بدعت باقی مانده است که به اتفاق امت مصطفی، مدح‌گیرکان خواندن بدعت و ضلالت است.»<sup>۳</sup> بر این اساس بعید نیست که ایرانی بودن بیشتر نام‌های دشمنان حضرت علی (ع) در خاوران‌نامه و حتی تصریح به حضور شخصیت‌هایی چون بهمن اسفندیار در سپاه خصم و زردشتی بودن آنها و، در نهایت، شکست و تسلیمشان در برابر پهلوانی‌های امام و یاران ایشان، واکنشی آگاهانه به تبلیغات امویان و مروانیان، برای اثبات برتری علی (ع) بر پهلوانان ایران باستان بوده است و

→  
دستجردی، طاهره، «بازتاب حماسی انتظار در دیوان ابن حسام خوسفی»، مجلهٔ دانشکده ادبیات و علوم انسانی بیرجند، ش ۱، بهار ۱۳۸۰، ص ۶۸.

۱. کهن‌ترین نمونهٔ بهره‌گیری از داستان‌های حماسی - اساطیری ایران در برابر مبانی و افکار اسلامی، روایت سیرهٔ ابن‌هشام دربارهٔ شخصی به نام نصر بن حارث، از مردمان مکه، است که داستان رستم و اسفندیار را در مکه بیان می‌کرد تا مردم را از قرآن و سخنان پیامبر (ص) باز دارد.

۲. «حماسه‌ای شیعی از قرن پنجم»، همان، ص ۴۳۴.

۳. النقص، ص ۶۷.



به تعبیری مشابه نوشته قزوینی رازی، شاید «تا رد باشد بر شجاعت و فضل یلان شاهنامه‌ای»، که به هر حال ابزار مخالف‌خوانی و سخن‌پراکنی دشمنان امام علی (ع) شده بودند. ولی نکته بسیار شایان توجه این است که ناخودآگاه جمعی مردم ایران - که هم دوستدار پهلوانان ملی خویش و بر سر آنها، رستم، بوده است و هم ارادتمند و عاشق حضرت علی (ع) و به طور کلی عناصر اسلامی - بعدها به نوعی ارتباط و مصالحه در این موضوع گراییده و با پرداختن داستان‌هایی که در آنها امام، جهان پهلوان ایران را در کشتی بر زمین می‌زند و رستم به دین اسلام در می‌آید و از یاران حضرت علی (ع) می‌شود، خواسته است این تقابل و ستیز ناروا را، که در آغاز جنبه تبلیغی و منفعت‌طلبی سیاسی و عقیدتی داشته، به مسالمت و همراهی تبدیل کند.

با توجه به احتمال مذکور درباره ساختار داستانی، این نکته را هم باید یادآور شد که به رغم چنین تقابل و واکنش آگاهانه‌ای نسبت به مضامین پهلوانی ایرانی، باز شخصیت و داستان‌های حضرت علی (ع) در این منظومه - همچنان که اشاره شد - بر مبنای اشخاص و روایات حماسی - اساطیری ایران، به ویژه شاهنامه ترسیم و تصور شده است و ناخودآگاه فردی، تباری، و همگانی داستان‌پردازان، در این مورد نیز نتوانسته است از دایره نفوذ و تأثیر شاهنامه خارج شود.

خاوران‌نامه - همچون دیگر منظومه‌های پیر و شاهنامه - مستند به منبعی منشور بوده است و ابن‌حسام در چند جا این مأخذ را متنی عربی معرفی کرده است:

چنین گفت دهقان تازی سرشت      چو در باغ نظم از سخن دانه کشت

۲۴۷۲ / ۱۸۶

چو بر سال هشتصد بیفزود سی      شد این نامۀ تازیان پارسی

۴۹۰۴ / ۳۱۵

اما به گمان نگارنده، حتی اگر مأخذ منظومه به زبان عربی بوده باشد،<sup>۱</sup> احتمالاً فراهم‌آورندگان آن ایرانی بوده‌اند که متن را - شاید به دلیل محتوای اسلامی آن یا شرایط

۱. درباره مأخذ خاوران‌نامه، غیر از مقدمه مصحح خلاصه این متن (صص ۱۲ - ۱۳) - ساکت، محمدتقی، «خاستگاه داستان‌های خاوران‌نامه»، چکیده مقالات همایش بزرگداشت مقام علمی - ادبی ابن‌حسام خوسفی، دانشگاه بیرجند (۲۰ و ۲۱ آبان ۱۳۷۸)، صص ۲۳ و ۲۴.

فرهنگی و اجتماعی عصر تدوینش - به زبان اول جهان اسلام، عربی، نوشته‌اند. قرینه‌ای مؤید این حدس، غیر از ایرانی بودن اسامی سپاه مقابل امام علی (ع)<sup>۱</sup> و ارتباط‌های مشهود میان این منظومه و داستان امیر حمزه - که بدان خواهیم پرداخت - در این موضوع نیز نهفته است که خاور / خاوران‌زمین، که بخشی از حوادث منظومه ابن‌حسام در آن می‌گذرد - و مثنوی نیز به همین مناسبت خاوران‌نامه نامیده شده است - در روایات حماسی و نقلی ایران باز مطرح می‌شود. برای نمونه در سام‌نامه، سام به خاورزمین می‌رود و رویدادهایی برای او پیش می‌آید،<sup>۲</sup> یا در برزونا‌نامه سخن از جمشیدشاه خاوری در شهر خاور است که تیمور / تمور، فرزند برزو، او را می‌گیرد<sup>۳</sup> و ظاهراً این همان جمشیدشاه است که در خاوران‌نامه در خاورزمین اقامت دارد و از امام علی (ع) شکست می‌خورد و می‌گریزد. در کنار این، در پنج‌هزار بیت برگزیده از خاوران‌نامه، نکات و اشاراتی دیده می‌شود که احتمال تأثیر قصه مشور امیرالمؤمنین حمزه بر مأخذ خاوران‌نامه، یا دست‌کم ارتباط‌ها و مشابهاتی میان این دو اثر، را به وجود می‌آورد؛ از جمله عمرو امیه، عیاری که در داستان امیرحمزه همراه حمزه است، در خاوران‌نامه نیز با همان ویژگی‌ها و رفتارها در نبردهای علی (ع) حضور دارد و همان‌گونه که در حمزه‌نامه، عم پیامبر (ص)، فریادهای سهمناک می‌کشد، در این منظومه هم امام علی (ع) بانگی رعدآسا و هراس‌انگیز دارد، به طوری که در یکی از این فریادها، در محدوده‌ای ده اندر ده، همه جانوران از ترس می‌میرند و سی‌هزار کافر جان می‌بازد (۲۸۷۹ - ۲۸۸۲)، و قابل توجه‌تر این که عمرو امیه، که در داستان حمزه، هنگام نعره زدن امیر، کلاه خود را به آسمان پرتاب می‌کند تا سپاهیان حمزه با دیدن آن پنبه در گوش خویش فرو کنند،<sup>۴</sup> در خاوران‌نامه فریاد علی (ع) را نیرومندتر از آن حمزه می‌داند (۲۹۱۷ - ۲۹۱۹). اساساً داشتن فریادهای بلند یکی از خصوصیات پهلوانان برخی روایات، حماسی است<sup>۵</sup> و در حمزه‌نامه و خاوران‌نامه نیز انتساب نعره‌های این چنین به حمزه و امام علی (ع) بر پایه همین الگو و ویژگی است. در جایی از خاوران‌نامه

۱. برزی بچکا می‌نویسد: «هنگامی که تشخیص اصل یک داستان مشکل می‌نماید، اسامی کمک زیادی می‌تواند بکند. اگر اسامی فارسی ایرانی باشد، حاکی از آن است که اصل و منشأ آن هم ایرانی است.» - تاریخ ادبیات ایران از آغاز تا امروز، جمعی از محققان، ترجمه یعقوب آژند، تهران، ۱۳۸۰، ص ۳۰۹.
۲. - برگزیده سام‌نامه، اثر خواجوی کرمانی، به انتخاب منصور رستگار فسایی، شیراز، ۱۳۷۰، صص ۶۴ به بعد.
۳. - افشاری، مهران و مدائینی، مهدی، هفت لشکر (طومار جامع تقالان)، تهران، ۱۳۷۷، ص ۳۲۰.
۴. برای نمونه - قصه امیرالمؤمنین حمزه، به تصحیح جعفر شعار، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۲، ص ۲۰۶.
۵. در این باره، - خالقی مطلق، جلال، «یکی داستان است بر آب چشم»، گل رنج‌های کهن، به کوشش علی دهباشی، تهران، ۱۳۷۲، صص ۹۱ - ۹۲.

به جنگ‌های حمزه با شاه ایران - که بر اساس حمزه‌نامه، انوشیروان است - و بخشی از موضوع حمزه‌نامه را شامل می‌شود، اشاره شده است که باز نفوذ قصه امیرالمؤمنین حمزه را در این منظومه نشان می‌دهد:

شنیدم که حمزه به میدان کین چه پرداخت با شاه ایران زمین

۳۴۴۹ / ۲۳۸

همان‌گونه که در ساخت و پرداخت داستانی خاوران‌نامه، شاهنامه مرکز توجه راویان و داستانی‌پردازان بوده است، ناظم این مجموعه، ابن حسام، نیز بارها ارادت و احترام را به فردوسی آشکار کرده است. او فردوسی را استادی می‌داند که سخن را به اوج علیین رساند، آن‌چنان «که اندیشه از درک آن بازماند». او در خجسته‌شبی از شب‌های بهار، او را به خواب دید و از او فیض و همت طلبید و سحرگاه که از خواب برخاست «دلش مخزن گنج اسرار گشت» (صص ۱۹۹ و ۲۰۰). ابن حسام در مقدمه منظومه اشاره کرده که «خداوند به خاطر یک بیت از شاهنامه در توحید، فردوسی را آمرزید و به فردوسی مأوای او ساز کرد» (ص ۶۵) و این داستانی است که پیش از وی، عطار در اسرارنامه و حمدالله مستوفی در تاریخ‌گزیده و ظفرنامه روایت کرده‌اند.<sup>۱</sup>

علاقة ابن حسام به فردوسی و انس او با حماسه ملی ایران، باعث شده است که شماری از مصراع‌ها و ابیات شاهنامه، به‌عمد یا ناآگاهانه، در خاوران‌نامه راه یابد یا این که ناظم، بیت‌هایی مشابه ابیات فردوسی بسراید. برای نمونه در همین خلاصه پنج‌هزار بیتی از خاوران‌نامه، مصراع‌هایی چون «پرستیدن دادگر پیشه‌کن» (۴۹ / ۹۰) و «چو شیری که گم کرده باشد شکار» (۱۰۲ / ۱۰۱۴) از شاهنامه است و بیت

من و مالک و زخم و گرزگران نمایم بدو زور دست سران

۳۹۵۹ / ۲۶۲

محملاً با توجه به این بیت پر تقلید فردوسی نظم شده است که می‌گوید:

نجویم بر این کینه آرام و خواب من و گرز و میدان و افراسیاب

خالقی مطلق ۴ / ۱۴ / ۱۷۱

۱. درباره این بیت - که در خاوران‌نامه تضمین شده است - و روایات آن در منابع یاد شده - ریاحی، محمدامین، سرچشمه‌های فردوسی‌شناسی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۲، صص ۲۱۳ - ۲۱۵ و ۲۶۶ و ۲۶۷ و ۲۷۰.

تأثیر زبان و نحو خاوران‌نامه به حدی است که گاه ابن‌حسام به نسبت زمان نظم اثر، دچار باستانگرایی و انحراف از سبک عمومی دوره خویش (قرن نهم) شده است. کاربرد «مر» پیش از متمم، دو حرف اضافه برای یک متمم، «کجا» به معنی «که» و موارد متعدد از تلفظ کهن و سخن در محل قافیه، شواهدی از این اضطراب سبکی است، ولی با این همه وی نیک از عهده سرایش منظومه‌ای دینی - پهلوانی و کار تقلید از شاهنامه برآمده است، به طوری که آن را می‌توان با آثاری مانند گرشاسپ‌نامه، بهمن‌نامه، و کوشنامه مقایسه کرد و به نظر نگارنده بسیار برتر و هنرمندانه‌تر از مثلاً بانو گشسپ‌نامه و فرامرزنامه است.

زبان و بیان خاوران‌نامه، استوار، پخته و روان است و سراینده در محور افعی و عمودی ایات عموماً گرفتار تکلف و تنگنای وزن و قافیه و تعبیر نشده است و بیت‌های سست آن در این پنج‌هزار بیت نمونه بسیار نادر است؛ فقط در بعضی موارد، ابن‌حسام در توصیفات به اطناب گراییده است (برای نمونه ← ۸۲ / ۵۹۷ - ۶۰۳ وصف طلوع، ۱۱۷ و ۱۱۸ / ۱۲۵۸ - ۱۲۷۴، شرح زیبارویی دختر) که این متأسفانه در بیشتر منظومه‌های پهلوانی پس از شاهنامه دیده می‌شود و ناظران آنها نتوانسته‌اند راز بلاغی ایجاز اعجازمانند فردوسی را دریابند و به کار گیرند.

تازیان‌نامه پارسی<sup>۱</sup> خلاصه‌ای پنج‌هزار بیتی از خاوران‌نامه است که بر پایه تصحیح خود برگزیننده از سیزده‌هزار بیت این منظومه - به عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد ایشان در رشته ادبیات - و تصحیحی دیگر، که آن هم رساله کارشناسی ارشد بوده، فراهم آمده است و مصحح گرامی کوشیده است که بخش‌های اساسی داستان خاوران‌نامه را در این گزیده حفظ کند؛ لذا برای پرهیز از هرگونه گسست روایی، آنجا که نیاز بوده، خلاصه‌ای از موضوعات را به نثر آورده است. همچنین در حواشی تمام صفحات، توضیحاتی درباره برخی لغات و ایات آمده است. ایشان در تصحیح نیمی از خاوران‌نامه از چهار دست‌نویس این اثر استفاده کرده‌اند که معرفی کوتاه و تصویر بعضی از برگ‌های آنها در مقدمه آورده شده است. پیشگفتار مصحح و برگزیننده (صص ۳ - ۴۰) در سه بخش به معرفی ابن‌حسام و شعر او، خاوران‌نامه، و گزارش شیوه تدوین این گزیده می‌پردازد و در پایان نیز کتابنامه و فهرست توضیحات و اعلام (اشخاص و مکان‌ها) افزوده شده است.

در این بخش از یادداشت، نگارنده نمونه‌ای از پیشنهادها و نکاتی را مطرح می‌کند که در

۱. این عنوان برگرفته از تعبیر خود ابن‌حسام درباره منبع منظومه است:

چو بر سال هشتصد بیفزود سی شد این نامه تازیان پارسی

بررسی پنج هزار بیت منظومه و توضیحاتشان، بدانها رسیده است.

بر او ختم شد گفتن مثنوی از او به نگوید کسی پهلوی

۳۳۵ / ۶۵

توضیح حاشیه: «پهلوی: زبان عهد اشکانیان و ساسانیان، پارسی میانه»، اما چون در اینجا درباره فردوسی و زبان شاهنامه به کار رفته، بهتر است که به معنی «پارسی دری» گرفته شود و این معنا برای «پهلوی» در متون کهن سابقه دارد.<sup>۱</sup> خود فردوسی هم آنجا که شاهنامه ابو منصور را «دفتر پهلوی» می خواند (← خالقی مطلق ۱ / ۱۴ / ۱۴۲) مرادش از پهلوی، پارسی دری است.

کمر بست و پوشید خفتان جنگ چو شیر اندر آمد به زین پلنگ

۴۳۶ / ۷۲

توضیح حاشیه درباره مصراع دوم: «... همانند شیری بر اسب پلنگ آسای و چابک خود سوار شد.» با توجه به کاربردهای مشابه در شاهنامه<sup>۲</sup>، زین پلنگ یعنی زینی که پوششی از پوست پلنگ بر آن کشیده باشند نه این که پلنگ استعاره از اسب باشد. در بیت ۶۲۴ از همین گزیده نیز «زین پلنگ» دقیقاً در معنای مذکور است و این پیشنهاد را تأیید می کند.

به اسبی سیه برنشسته بلند به فتراک بر، شست یازی کمند

۵۲۴ / ۷۷

توضیح حاشیه: «یازی کمند: کمند یازنده و قصدکننده، کمند شکاری؛ معنی بیت: ابوالمحب بر مرکب سیاه... سوار بوده در ترک بند اسبش شصت کمند شکاری حمل می کرد.» «یازی» در این ترکیب به معنی قصدکننده و شکارکننده نیست، بلکه مصحف «باز» و واحد طول است؛ چنان که در شاهنامه آمده است: «به چنگ اندرون شست یازی کمند» (خالقی مطلق ۱ / ۸۲ / ۴۳۵). لذا برای مصراع دوم نیز این گزارش پیشنهاد می شود: در فتراک زین، یک کمند طولانی داشت.

۱. ← نائل خانلری، پرویز، تاریخ زبان فارسی، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۷۸.

۲. برای نمونه

همان خیمه دیبه از رنگ رنگ همان تخت و پرمایه زین پلنگ

خالقی ۲ / ۱۹۴ / ۹۶۶

بیست آن دلاور هژبر ژیان      بدان خنجر آسمانی میان

۵۶۴ / ۷۹

توضیح حاشیه: «خنجر آسمانی: ذوالفقار؛ به اعتبار: لا فتنی الا علی لاسیف الا ذوالفقار». آسمانی بودن ذوالفقار به اعتبار عبارت مشهور یاد شده نیست، بلکه مبتنی بر این باور مردمی است که این شمشیر از آسمان برای پیامبر (ص) فرو فرستاده شده بود<sup>۱</sup> و این روایت در ادب پارسی هم راه یافته است.<sup>۲</sup>

چو بگشاد پنجه دلاورنهنگ      ز یک بیشه آهو نیاید به تنگ

۷۷۵ / ۹۱

برای قافیه مصراع نخست، با توجه به مصراع دوم «پلنگ» بهتر می‌نماید، چون میان نهنگ و پنجه و نیز آهو و بیشه تناسبی وجود ندارد. آیا یکی از چهار نسخه خاوران‌نامه ضبط «پلنگ» را دارد یا نه؟

به رزم‌اندرون سرفشانده می      به بازارگانان نماند همی

۹۴۰ / ۹۹

توضیح حاشیه: «سرافشاندن: سرجنبانیدن از غرور و مستی، شجاعت و قدرت». پیشنهاد می‌شود این ترکیب به «بریدن و انداختن سر هم‌آورد در میدان نبرد» معنی شود چنان‌که شاهنامه می‌بینیم: «به آوردگه بر، سرافشان کنم» (خالقی مطلق ۲ / ۱۴۷ / ۳۵۸).

همان خواب‌کان شب در غار دید      که خود را بر آن سان به تیمار دید

۱۴۶۹ / ۱۳۰

آیا مصراع نخست چنین نیست: «همان خواب‌کان شب در آن غار دید» چون طبق داستان،

۱. درباره ذوالفقار، - ورجاوند، پرویز «ذوالفقار»، دایرةالمعارف تشیع، تهران، ۱۳۷۹، ج ۸، صص ۵۱-۵۲؛ خرمشاهی، بهالدین، «ذوالفقار»، همانجا، صص ۵۲-۵۳.  
۲. برای نمونه Calmard, Jean, "Zolfagar," *Encyclopaedia Iranica*, edited by Ehsan Yarshater, New York.

ذوالفقار ایزد سوی که فرستاد به بدر؟      زن و فرزند که را بود چو زهرا و شبیر  
بر تیر او پرپری صرصرصفت در صفدری      تیرش چو نیغ چیدری از خلد ابرار آمده  
خاقانی

آیدنلو، سن: مر این نامه را خاوران‌نامه ... / ۲۰۱

مالک اشتر درون غار است که خواب می‌بیند.

بگفت آنچه با پیل‌گوشان چه [؟] کرد شب تیره و روزگار نبرد  
۱۴۷۹ / ۱۳۱

الگوی مصراع اول در شاهنامه این‌گونه است: «بگفت آنک او با سیاوش چه کرد»  
(خالقی مطلق ۳ / ۸ / ۷۹). بر همین مبنا می‌توان مصراع خاوران‌نامه را نیز چنین تصحیح کرد: «بگفت آن که پیل‌گوشان چه کرد» و ابهام [؟] را زدود.

هوا سز به سر نیزه و دشنه گشت به خون جهودان زمین پشته گشت  
۲۰۱۹ / ۱۶۱

نظر به قافیه مصراع نخست، برای قافیه مصراع دوم «تشنه» درست‌تر است.

همی رفت و کشتی شب و روز تیز گذر کرد ده روز بی‌رستخیز  
۲۳۰۱ / ۱۷۷

توضیح حاشیه: «بی‌رستخیز: در اینجا یعنی بدون توقف و درنگ». بر اساس بیت بعد که می‌گوید: «دهم روز باد مخالف بخاست»، بی‌رستخیز در اینجا به معنی «بدون پیش آمدن بلا یا حادثه» است.

نشست از بر تخت ناهید شاه به درگاه [بر همچنین] شد سپاه  
۲۴۴۸ / ۱۸۴

توضیح حاشیه: «[بر همچنین] در تک‌نسخه «ایندیا آفیس» کلمات مخدوش و ناخوانا بود، از طرف مصحح افزوده شد.» به جای بر همچنین، به استناد مصراعی مشابه در شاهنامه «بر انجمن» پیشنهاد می‌شود: «به درگاه بر، انجمن شد سپاه» (خالقی مطلق ۲ / ۲۴۲ / ۶۰۱)

شبانگه که غواص دریای چین فرو رفت در چشمه آتشین  
۳۰۳۵ / ۲۱۷

توضیح حاشیه: «شبانگاهان وقتی که خورشید در چشمه خونین شفق فرو رفت.» احتمالاً در اینجا ترکیب «چشمه آتشین» کاربرد استعاری - مثلاً چشمه خونین شفق، که مصحح گرامی

نوشته‌اند - ندارد و در همان معنای اصلی و حقیقی خود به کار رفته است و مراد از آن، چشمه آب گرمی است که در معتقدات کهن، خورشید در آن غروب می‌کرده<sup>۱</sup> و در قرآن (کهف، ۸۶) با تعبیر عین حمئة به این باور اشاره شده است.

سحرگه که مرغ سحرخوان بخواند      فلک دامن زرفشان برفشاند  
۳۱۶۱ / ۲۲۴

توضیح حاشیه: «دامن برفشاندن: در اینجا یعنی به سیر پرداختن، به حرکت درآمدن.» آیا منظور پراکندگی نور زرد خورشید در آسمان و گسترش روشنایی روز نیست؟ فلک دامنی از زرد (نور و روشنایی) افشاند / پخش کرد.

شوم برگرایم علی را به جنگ      بینم که دارد دل و زور و چنگ  
۴۲۵۱ / ۲۸۱

توضیح حاشیه: «برگراییدن: برگرداندن، تحریک و وادار نمودن.» برگراییدن در این بیت، همان‌گونه که بارها در شاهنامه می‌بینیم، دقیقاً به معنی «سنجیدن، به محک زدن، ارزیابی کردن و آزمودن» است: «یکی برگراییدش اندر نبرد» (خالقی مطلق ۱ / ۲۵۴ / ۱۳۰۲).

چو آمد به نزدیک حیدر فراز      به آیین و آرایش اسپ و ساز  
۴۴۶۴ / ۲۹۲

توضیح حاشیه: «فراز آمدن: جمع شدن، گردآمدن.» معنای دقیق «فراز آمدن» در چنین کاربردهایی، «تزدیک شدن» است.

آیدنلو، س: مر این نامه را خاوران‌نامه ... / ۲۰۳

۱. در این باره، ← مصفی، ابوالفضل، «ذره و آفتاب و چشمه خورشید»، حافظ‌شناسی، به کوشش سعید نیاز کرمانی، تهران، ۱۳۶۷، ج ۸، صص ۶۷ - ۷۱؛ زمردی، حمیرا، نقد تطبیقی ادیان و اساطیر در شاهنامه فردوسی، خمسه نظامی و منطق‌الطیر، تهران ۱۳۸۲، صص ۵۳ - ۵۵.